

عنوان مقاله :

پژوهشی در کتب مقدس نحله بهائی

نویسنده :

علیرضا روزبهانی بروجردی

باز نشر :

سایت حقیقت بهائیت

WWW.BAHAROOM.IR

چکیده :

قرآن کتاب الهی و آسمانی اسلام که محتوای آن مورد قبول بهائیان (هرچند ادعائی) نیز هست مشخصه هائی برای کتاب آسمانی معرفی میکند که کتب مقدس بهائی در تمام موارد فاقد آن ویژگی ها است ، کتاب بیان ، ایقان و اقدس که به دستان ضعیف و ناتوان مدعیانی دروغین به نگارش در آمده تا به عنوان وحی آسمانی به بندگان خدا عرضه گردد ، در این تحقیق به عنوان سه کتاب اصلی فرقه بهائی در این کاوش از زوایای مختلف مورد نظر و توجه قرار گرفته است

کتابشناسی آثار ، ارزش و اعتبار آنها برای بهائیان و بررسی مشخصه های اثبات کننده جعلی بودن و عدم وحیانی بودن این آثار و جبهه همت قرار گرفته است که در ابتدا کتاب بیان به عنوان اصلی ترین اثر مورد نقد قرار گرفته و نقص و اختلاف و فقر محتوایی ، اشتباهات ادبی و در نهایت بی معنا بودن احکام بابی به معرض قضاوت نهاده شده است .

کتاب ایقان نیز به عنوان نخستین تألیف حسینعلی نوری (بهاءالله) در اثبات مدعای باب در این مقاله کاویده شده و با عناوین دروغپردازی در مورد تاریخ نگارش اثر /ایقان متمم بیان نیست / دعوت به ترک عقل /ابراز کینه و نفرت از علما تحریف آیات قرآن ، روایات و ایقان و اغلاط نقد و بررسی شده است

اقدس نیز که بهائیان آن را مهیمن بر جمیع کتب و صحائف آسمانی می دانند مورد توجه قرار گرفته است و کوشش شده تا با نگاهی به سبب نگارش و نقص و اختلاف در کتاب اقدس ، عربی بودن اقدس غلط نویسیهای بسیار و عدم جامعیت کتاب به اثبات ادعا پرداخته گردد

کلید واژگان : اقدس ، ایقان ، بیان ، کتب مقدس ، بهائیت

در اکثر ادیان، کتاب‌های مقدسی هست که منابع وحیانی و مانفیسست آن ادیان شناخته می‌شوند و در آن‌ها عقاید اصلی، تشریح اندیشه و شیوه‌های عملکرد پیروان و تبلیغ عقاید، تبیین می‌گردد و در اختلافات نظری و عملی متدینان، محتوای آن‌ها به منزله فصل الخطاب مورد استناد قرار می‌گیرد.*

تورات، اوستا، ودا، زبور، انجیل، قرآن و... نمونه‌هایی از این کتی هستند که برای مسلمین، مسیحیان، کلیمیان و... از اعتباری ویژه برخوردار هستند. رهبران بابیه و بهائیت نیز کتاب‌هایی را منتشر ساخته‌اند. موضوع این نوشتار، تنها بررسی آثاری است که رهبران نحلّه بهایی نگاشته‌اند چرا که آن‌ها نیز مکتوبات و الواحی را به مثابه کتب مقدس و منابع وحیانی معرفی نموده و کوشیده‌اند تا با ارائه آن‌ها، به اثبات ادعای الهی بودن و ترویج عقاید خویش پردازان؛ بیان، یقان و اقدس و... از کتب مقدس این نحلّه به‌شمار می‌رود.

بنای این قلم بر این است که پژوهشی کوتاه و درعین حال علمی، برای دستیابی به صدق و کذب ادعای بهائیان ارائه کند.

الف) کتاب بیان:

بهائیت مولود بابیت است؛ از این رو در آغاز، به بحث درباره کتاب بیان، مهم‌ترین اثر علی محمد بابشیرازی می‌پردازیم، این کتاب به دو بخش عربی و فارسی تقسیم می‌شود در باره این اثر چنین آمده است:

* گرچه پاره‌ای اختلافات به علت تفاسیر و برداشت‌های متفاوت، همواره باقی می‌ماند

این کتاب را به ۳۶۱ باب* یا به اصطلاح به «عدد کلّ شیء» بخش کرده در این خصوص در مقدمه بیان عربی می گوید: « و انا قد جعلنا ابواب ذلک الدین عدد کلشیء»، وی در باب نخست از واحد نخست همین کتاب به فارسی می نویسد « و ابواب دین را عدد ۱۹ واحد قرار داده » (محمد حسینی، حضرت باب، ص ۹۳۸)

نسخ بیان

نسخ خطی متعددی از بیان فارسی، نزد افراد و در برخی کتابخانه‌های معروف جهان موجود است؛ اما نسخه بسیار مهم و معتمد به خط سیدحسین کاتب یزدی که هم‌اکنون در دارالآثار بین‌المللی در مرکز جهان بهائی* در حیفا نگهداری می‌شود. کتاب بیان فارسی را ازلیه در ایران چاپ کرده است... (محمد حسینی، حضرت باب، ص ۸۷۱).

تاریخ و مکان نگارش:

بنابر اسناد گوناگون در دسترس، باب در زمانی که در زندان ماکو محبوس بود، هر دو بخش بیان را نوشته است:

«در دوارن سجن ماکو، کتاب مستطاب بیان (عربی و فارسی) و دلائل السبعه و نه تفسیر بر آیات قرآنی و توقیعی منیع خطاب به محمد شاه و توقیعی دیگر نازل شد و تسویه گردید» (Exalated, 1993, p.22).

بنابراین نگارش آن در سال ۱۲۶۴ هجری قمری اتفاق افتاده است؛ زیرا باب از شعبان ۱۲۶۳ تا

* ۱۹ واحد و هر واحد ۱۹ باب

* مقصود بیت‌العدل بهائیت در شهر حیفا واقع در فلسطین اشغالی است.

* البته این تصریح اختصاصی به افراد یادشده ندارد و رهبران و مبلغان دیگر بهائی نیز به این مسئله اذعان کرده‌اند.

جمادی الاول ۱۲۶۴ در ماکو بود (اعتضاد السلطنه، «فتنه باب» ۲۳۸).

تنها عباراتی از باب اول از واحد اول - بیان عربی - به فارسی است. ، بیان عربی گاه در آثار باب، کتاب الجزاء، نیز نامیده شده است (مازندارانی، ۲، ۹۹-۱۰۱). در لغت‌نامه دهخدا درباره کتاب بیان آمده است:

بیان عربی یا مجید

بیان عربی یا مجید - تالیف سیدعلیمحمد باب است که آنرا کتاب آسمانی خود معرفی کرده و در نظر داشته آن را مشتمل بر نوزده واحد و هر واحدی را بر نوزده باب تقسیم کند ولی بتصریح صحیح ازل و حاجی میرزا جانی در تاریخ‌قدیم (ص ۲۴۴ سطر ۶ و ۱۴) یازده واحد بیش نیست و بقیه «در مشیة الله محتجب شده» و ازین یازده واحد هم قسمتی از بین رفته است و نسخ بیان که در دست است بباب دهم از واحد نهم ختم میشود. (۱). (دهخدا، ذیل واژه «باب»).

بیان فارسی

این کتاب تفسیری است از بیان عربی. مسیو نیکلا فرانسوی، مکرر در مجلد اول تاریخ خود موسوم به تاریخ سیدعلی محمد باب، از جلد دوم تاریخ خود یاد می‌کند و این جلد ترجمه‌ای است از بیان فارسی به زبان فرانسوی که در چهار مجلد و در ۱۱۹۱ میلادی در پاریس منتشر کرده است و برای هر مجلد، مقدمه‌ای جداگانه نوشته است (همان).

البته بهائیان علت عدم اتمام کتاب بیان را نزدیکی ظهور من یظهره الله، می‌دانند (محمد حسینی، حضرت باب، ص ۸۷۱) و این بنا بر نص صریح باب درباره یوم من یظهره الله مردود است، زیرا باب ظهور «

۱ این کتاب در جامع ازهر موجود است

من يظهروه الله» را حداقل ۱۵۱۱ سال یا حداکثر ۲۰۰۱ سال بعد از خود دانسته است او در بیان فارسی می نویسد :

اگر شنیدید ظهوری ظاهر شده به آیات ، قبل از عدد اسم الله الاغیث (معادل ابجدی ۱۵۱۱) ، که کل داخل شوید ، و اگر نشده و به عدد اسم الله المستغاث (معادل ابجدی ۲۰۰۱) منتهی شده و شنیده اید که نقطه ظاهر شده و کل یقین نکرده اید رحم بر انفس خود کرده و کل بکلیه در ظل آن نقطه ظاهره که داخل نشده اید مستظل گردید...» (۱)

اهمیت این اثر

باب درباره اهمیت این اثر می نویسد:

«ان البيان میزان عندالله الی یوم یظهروه الله من اتبعه نور ومن ینحرف عنه النار» (باب، بیان ص ۳) وی برای تأکید بیشتر، آئین خویش را به نام این کتاب تسمیه نموده است.

نقد اثر

علی محمد باب نه از دانش کافی برخوردار است و نه در مجامع علمی قابل اعتنایی تردد داشته است تا او را در نگارش اثری که حداقل ظاهری علمی داشته باشد یاری دهد. او برای نگارش کتاب خود، از هیچ منبع علمی پیروی نمی کند. تنها هدف او در نگارش این اثر، اثبات ادعای عجیب و غریب خویش است.

مطالعه کتاب بیان، هر خواننده ای را به حیرت می افکند و به شگفتی وامی دارد؛ حیرت از این جهت که چگونه فردی می تواند این حجم از مطالب بی معنا را در کتابی جمع کند و مدعی الهی بودن آن

۱ باب ۱۶ از واحد ۲

گردد؛ و شگفتی از اینکه چگونه انسان‌هایی صاحب خرد، داعیه نویسنده را پذیرا شوند و او را رسولی از جانب خدا بدانند. بی تردید این جملات نه به قصد قبح و تنقیص بیان و مصنف آن، بلکه تنها بیان واقعیت است.

علی محمد باب در سراسر این اثر، تنها می‌کوشد به نوعی داعیه بی‌معنای خود را اثبات کند.

۱) چرا بیان ناقص مانده است؟

اولین نقدی که متوجه نویسنده بیان است، ناقص ماندن این اثر است. نکته جالب آنکه علی محمد شیرازی معجزه خویش را تندنویسی عنوان می‌کند و می‌گوید: «از نفسی که ۲۴ سال از عمر او گذشته و علوم می‌که کل به آن‌ها متعلم گشته متعری بوده و حال که به این نوع تلاوت آیات می‌نماد، بدون فکر و تأمل و در عرض ۵ ساعت، ۱۰۰۰ بیت در مناجات می‌نویسد، بدون سکون قلم و تفاسیر و شئون علمیه» (بیان باب اول از واحد ثانی، ۱۳).

یکی از مؤلفان بهائی در کتاب خود می‌نویسد: «...خود حضرت باب در مجلس ولیعهد می‌فرمایند: که ظرف دو شبانه روز، معادل قرآن آیات الهی نازل می‌فرمایند...» (قدیمی، ۵۰).

سؤالاتی صدق ادعای نویسنده بیان را به چالش می‌کشاند و دروغ‌پردازی‌های او را آشکارا به نمایش می‌گذارد. اگر خدا او را برای هدایت بشر مبعوث کرده است:

• چرا این پیامبر که معجزه‌اش تندنویسی است، قادر به اتمام کتاب آسمانی خویش نمی‌شود؟

• چرا خدا کسی را مبعوث کند، اما فرصت اتمام کتاب را به او ندهد؟

• در تاریخ کدام یک از انبیا، چنین چیزی سابقه داشته است؟

میرزا حسینعلی نوری که مدعی حقانیت ادعای علی محمد شیرازی است، بدون توجه به این

سؤالات، با مفاخره کثرت مؤلفات باب با به رخ می‌کشد و می‌نویسد:

«انبیای اولوالعزم، عظمت قدر و رفعت مقامشان چون شمس واضح و لائح است مفتخر شدند هر کدامشان به کتابی که در دست و محاسبه شده و آیات آن احصا گشته و از این غمام رحمت رحمانی-علی محمد باب- این قدر نازل شده که هنوز احدی احصاء ننموده چنانچه بیست مجلد الان به دست می‌آید و چه مقدار هنوز به دست نیامده و چه مقدار هم که تاراج شده و به دست مشرکین افتاده و معلوم نست چه کرده‌اند» (نوری، ۱۴۴).

در جواب میرزا حسینعلی باید گفت: جناب میرزا، وقتی بنا باشد عباراتی نامفهوم و بی‌معنا نوشت که تنها ثمره آن تسوید دفاتر است، دیگر کثرت نوشتجات نه تنها ارزش مفاخره ندارد، بلکه اساساً موجب شرمساری خواهد بود. برای اثبات مدعای خود، قسمت‌هایی از آثار باب را برای قضاوت درباره ارزش آن‌ها به تماشا می‌گذاریم:

«آثارالنقطه جل وعز البیان فی شئون الخمسه من کتاب الله عز وجل کتاب الفأ بسم الله الأبھی بالله الله البهی البهی، الله لا اله الا هو الابهی الله لا اله الا هو البهی البهی، الله لا اله الا هو المبتهی المبتهی، الله لا اله الا هو المبی المبی، الله لا اله الا هو الواحد البهیان. والله بهی بهیان بهأ السموات و الارض و ما بینها و الله بهأباهی بهی و لله بهی بهیان بهیه السموات و الارض و ما بینهما والله بهیان مبتهی و الله بهی بهیان ابتهأ السموات و الارض و ما بینهما والله بهیان مبتهی مبعها» (باب، رساله پنج شأن ص ۱۷۲)

«... سبحانک اللهم یا الهی لاشهدنک وکل شیء علی انک انت الله لا اله الا انت وحدک لاشریک لک لک الملك و الملکوت و لک العز و الجبروت و لک القدره و اللاهوت و لک القوه و الیاقوت و لک السلطنه و الناسوت و لک البهیئه و البهیوت و لک الجله و الجللوت و لک العظمه و العضموت و لک النوره

واللنوروت ولك الرحمة والرحموت ولك النعمة والنهموت ولك الرفعة والرفعوت ولك الشرفه والشرفوت ولك الكبره والكبروت ولك الكمله والكمלות ولك العزه والعزوت ولك العلمة والعلموت ولك القدره والقدروت ولك الرضيه والرضيوت ولك الحبه والحبوت ولك السطه والسلطوت ولك العلمة والعموت ولك العليه والعلیوت ولك الشمخه والشمخوت ولك البذخه والبذخوت ولك النعه والمنعوت ولك المنه والمنوت ولك القدمه والقدموت ولك الكرمه والكرموت ولك لطفه واللففوت ...» (باب، رساله پنج شأن ۱۱۳)

با ملاحظه عبارات و اشتقاقات و تکثیر کلمات ذکر شده در کتاب پنج شأن که فقراتی از آنها آورده شده * حکم هر خواننده ای بر این خواهد بود که مولف این کتاب ۴۰۰ صفحه ای از سلامت عقل بهره نداشته، بگونه ای که حتی مبلغان بهائی که علیمحمد شیرازی را سلطان رسل خطاب میکنند از انتساب این کتاب به وی شرم دارند؛ نویسنده کتاب جواب پاره شبهات، وقتی درباره کتاب پنج شأن به اظهار نظر می‌پردازد و می‌نویسد: «اسم این کتاب در ضمن آثار کثیره حضرت نقطه اولی ذکر شده، و از آن صورت و کتب در کتاب نظر اجمالی در دیانت بهائی نقل گردیده، ولی اصل کتاب عجاله در تهران به دست نیامده، هر عبارتی که به این کتاب نسبت می‌دهند، البته چنین عبارتی معقول نیست که باشد؛ زیرا از این عبارت چیزی مفهوم نمی‌شود، جملات ارتباط و معنی درستی ندارد و البته عبارت ساختگی است... (یزدانی، ۱۳۴۰، ص ۲۶)

و البته در اصالت استناد این اثر به علی محمد باب تردیدی نیست چرا که بسیاری از نویسندگان بهائی از جمله مبلغ معاصر بهائی نصرت الله محمد حسینی نه تنها اصالت آن را تأیید میکنند که در کتاب خود نیز به فقراتی از آن برای اثبات حقانیت بها استناد می‌ورزداکنون خود قضاوت کنید.

۲) این حجم از اشتباهات ادبی مسلّم برای چیست؟

نقد دیگری که بر کتاب بیان وارد است، وجود اغلاط فراوان ادبی انکار ناشدنی در این کتاب است، و توجیه رهبران فرقه برای گریز از این رسوایی نشان‌دهنده عمق جهالت مدعیان علم لدنی است.

الف. عذر بدتر از گناه

شخص علی محمد باب، خود نیز به این اغلاط و اشتباهات ادبی خویش واقف بوده برای گریز از این نقص عذری می‌آورد که مصداق بارز عذر بدتر از گناه است. او می‌گوید: «... اگر نکته‌گیری در اعراب و قرأت یا قواعد عربیه شود، مردود است؛ زیرا که این قواعد از آیات برداشته می‌شود نه آیات بر آن‌ها جاری می‌شود و شبهه نیست که صاحب این آیات، نفی این قواعد و علم آن‌ها به خود نموده بلکه هیچ حجتی نزد اولوالالباب از عدم علم به آن‌ها و اظهار این نوع آیات و کلمات اعظم‌تر نیست؛ زیرا که ثمره این علوم فهم کتاب‌الله است و بر شجره‌ای که کتاب‌الله نازل می‌نماید، علم به این علوم لازم نبوده و نیست...»^(۱)

ب. اهانت به قرآن برای توجیه اشتباهات بیان

رهبران بابیه و بهائیت، آنگاه که نتوانسته‌اند برای مخفی کردن اشتباهات آشکار کتاب بیان راهی بیابند و این لکه ننگ را از تارک علی محمد شیرازی پاک کنند، با دروغی دیگر به تحریف حقایق پرداخته و مدعی اغلاط قرآن مجید شده‌اند. استاد محمدباقر نجفی در کتاب پر ارج بهائیان، به نقل از

۱ بیان فارسی باب اول از واحد دوم

احمد کسروی در کتاب بهائیگری آورده است: «... عبدالبهاء در کتاب مقاله سیاح، در این باره چنین می نویسد: نکته نحوی گرفتند احتجاج به قرآن نمود و اینان بمثل منافی قواعد نحو از آن بیان کرد. ببینید که چگونه داستان را به رنگ دیگری انداخته و دروغی از خود به آن افزود؛ زیرا چنانچه پیداست، به باب غلط نحوی گرفته اند غلط‌های بسیار آشکار- (نه نکته) آنگه باب درمانده و پاسخی نتوانسته، نه آنکه پاسخ گفته و از قرآن نیز مانده‌هایی یاد کرده. این یک نمونه است که چگونه ناچار شده اند تاریخ را کج گردانند و به داستان‌ها رنگ‌های دیگر دهند.» (نجفی، ۲۳۴)

۳ فقر معنوی بیان

کتاب بیان نیز مانند سایر آثار باب، از نظر محتوا ارزش و اهمیتی ندارد. جستجوی سطر به سطر کتاب بیان روشن می کند که مؤلف این اثر بهره قابل قبولی از علوم متعارف زمان خود نداشته و هیچ مطلب ارزشمندی در این اثر دیده نمی شود. این کتاب نه تنها هیچ شباهتی به کتب آسمانی ندارد، بلکه بیشتر به دفتری از اعتقادنامه شیعیان غالی شبیه است که سراسر، ادعا و خالی از هر گونه بحث عقلانی است. احکام موجود در این کتاب نیز به قدری نامعقول و خشن جلوه می کند که نمی توان تصور حیاتی سعادت‌مند از اجرای آن احکام را داشت.

به عنوان نمونه و مشتی از خروار، نگاهی به برخی از عبارات بیان خالی از لطف نیست:

«شبهه ای نیست که هر مرآتی که مقبل شمس می شود، خود مستشرق می شود والا خود بنفسه طالع می شود و غارب می گردد و عز کل است که به ثمره وجود خود که فوز بلقأالله و ایمان به آیات اوست برسند والا خود شئی باطل می گردد بنفسه و همین شجره است که غرس شجره قرآن را در افنده مردم نمود، از برای امروز و امروز کل خود را نسبت به او مفتخر و معزز می داند و می کنند

آنچه که می‌کنند و این است معنی لاحول و لا قوه الا بالله در تشریح الا اگر این نسبتی که حقیقت ندارد، از خود سلب نمایند به قدر ذبانه قدرت ندارند...»^(۱)

«... ینبغی لمن یدرک من یظہرہ اللہ این یسئل من فضلہ اذا شاء یمن علیہ فالیشرفن مقعدہ بتراب نعلیہ...»^(۲) سزاوار است برای کسی که درک [زمان حضور] من یظہرہ اللہ را می‌نماید، از فضل او بهره‌ای برگیرد، [بنابراین] از من یظہرہ اللہ بخواهد منت بر او بگذارد و مقعد او را به خاک کفش‌هایش مشرف نماید.

جالب اینجاست این عبارت را که نه تنها بی‌معنا بلکه بسیار رکیک و شرم‌آور است، حیدرعلی اصفهانی در کتاب دلائل العرفان به عنوان یکی از آیات مهم باب، مورد اشاره قرار می‌دهد (اصفهانی، ۲۲۳).

۴) تأویلات نابجا

درک ناقص و البته نادرست علی‌محمد باب از کلمات عرفا و فلاسفه و تأویلاتی که از برخی ارباب مسالک و مذاهب به گوشش خورده بود، موجب ادعاهای بی‌دلیلی از سوی این جوان شیرازی شد، که فارغ از هر گونه مبنای علمی و منطقی بود و فقط مراتب جهل و قصور اندیشه او را آشکار ساخت. مرحوم علامه مصطفوی در کتاب محاکمه و بررسی باب و بها در این باره می‌نویسد:

سید باب در باب سابع از واحد ثانی بیان می‌گوید: «مراد از یوم قیامت یوم ظهور شجره حقیقت است و مشاهده نمی‌شود که آخدی از شیعه یوم قیامت را فهمیده‌باشد، بلکه همه موهوماً امری را توهم نموده که عندالله حقیقت ندارد و آنچه عندالله و عند عرف اهل حقیقت، مقصود از یوم قیامت است،

^۱ بیان فارسی باب اول از واحد ثانی

^۲ باب ۷ از واحد ۷ بیان عربی

این است که از وقت ظهور شجره حقیقت (پیغمبر) در هر زمان به هر اسم الی حین غروب آن یوم قیامت است؛ مثلاً از یوم بعثت عیسی تا یوم عروج آن قیامت موسی بود که ظهور الله در آن زمان ظاهر بود به ظهور آن حقیقت که جزاء داد هر کس که مؤمن به موسی بود... و از حین ظهور شجره بیان الی ما ینغرب قیامت رسول الله هست که در قرآن خداوند وعده فرموده بود که اول آن بعد از دو ساعت و یازده دقیقه از شب پنجم جمادی الاولی سنه (۱۲۶۰) اول یوم قیامت قرآن بود... الخ.»

مرحوم مصطفوی در ادامه می نویسد: «سید باب در برخی از کلمات عرفاء یا تأویلات اسمعیلیه و دیگران یا در تعبیرات مجازیّه بعضی از روایات شریفه، به این معنی (تأویل قیامت به قیام) برخورده است، ولی متوجّه نشده است که تأویل و مجازگویی و تشبیه، غیر از حقیقت است.»

نهایت کلام اینکه چهارده باب از واحد اول و یک باب از واحد دوم... تنها به شرحی مبسوط بر رجوع حضرت حجت؟ در باب اول از واحد دوم - پرداخته و از شرح نوشتن بر رجوع - به اصطلاح خود باب - سایر ائمه خودداری و درباره آن تنها به نگاشتن یک خط بسنده کرده است.

بحث درباره بیان را با عبارت ارزنده از مرحوم اعتضادالسلطنه، نویسنده کتاب فتنه باب پایان

می دهیم:

«این است آنچه به اسم «کتاب» برای معتقدین به خود آورده و لطف کلام در این است که این نوشته‌ها را «معجزه» خود می داند؛ معجزه‌ای که نه سر دارد نه ته! نه از لحاظ ادبی اهمیتی را حائز است، نه از لحاظ دینی یا فلسفی یا علمی. برای نشان دادن اسلوب مکرر و درازنویسی لاطائل وی، من عقیده دارم همین مقدار کافی است.» (نوایی، ۱۳۶۲: ۱۴).

ب) کتاب ایقان

کتاب ایقان، اثر میرزا حسینعلی بها، قدیمی‌ترین کتاب بهائیت است، شوقی افندی، درباره این کتاب می‌نویسد: «در بین جواهر اسرار مخزونه و لثالی ثمینه مکنونه که از بحر زخار علم و حکمت حضرت بهاء‌اله ظاهر گردیده، اعظم و اقدم آن کتاب مستطاب ایقان است» (شوقی افندی، ۲، ۱۴۷).

موضوع کتاب، اثبات دعاوی علی محمد باب و مخاطب اصلی کتاب، دایی بزرگ باب، یعنی سیدمحمد تاجر شیرازی است تا او را به دعوت جدید مؤمن گرداند. (نوری، ۷۶) علی‌رغم ادعای عبدالبها درباره ایمان آوردن نام‌برده، مورخان او را تا آخر عمر، مسلمانی معتقد و نه بابی، شمرده‌اند، مرحوم محیط طباطبائی در این باره می‌نویسد:

چنانکه از روایات منقول و تفسیر و تبیین کتاب ایقان خاطر نشان می‌گردد سید محمد تاجر شیرازی، دائی بزرگ سیدعلی محمد باب که مانند قاطبه اقارب پدری سید و خواهر او که مادر سید باب باشد بر عقیده مذهبی پدران خویش استوار بودند و نسبت به دعاوی سید علی محمد خواهرزاده اش اعتقادی نداشت. (۱)

تاریخ و مکان نگارش :

میرزا حسینعلی بها پس از رفع مقطعی کدورت‌هایش با عزل پیشوای وقت بابیه، از کوه‌های سلیمانیه به بغداد مراجعت کرد و این کتاب را که به آن تعلق خاطر بسیار دارد، برای سیدمحمد خال علی محمد شیرازی، تأثیر مجالست و همنشینی با درویشان در عبارات کتاب کاملاً پیداست. میرزا

۱ ماهنامه "گوهر"، سال ۵ شماره ۱۱ و ۱۲ بهمن و اسفند ۲۵۳۶ شماره مسلسل ۵۹ و ۶۰ صفحات ۸۲۲

حسینعلی در سال ۱۳۰۸ به وسیله پسرش میرزا محمد، علی و میرزا آقاخان خادم، آثار خطی خود را در بمبئی به چاپ رساند. او بعد از چاپ آثارش اعلام کرد همه نسخ قبلی بی اعتبار است و باید نسخه‌های دیگر بر اساس آن تصحیح شود.

اهمیت این اثر:

میرزا حسینعلی نوری، خود درباره ایقان می گوید: «آنچه ذکر شده، جمیع ارض و من علیها را کافی است و فی الحقیقه جمیع کتب و اسرار آن در این مختصر ذکر شده به قسمی که اگر کسی قدری تأمل نماید، جمیع اسرار کلمات الهی و امور ظاهره از آن سلطان حقیقی را از آنچه ذکر شده ادراک می نماید» (همان، ۱۵۸).

شوقی ربانی افندی، اولین و آخرین ولی امر فرقه (۱)، نیز در نشان دادن اهمیت این کتاب برای نحله بهائی می نویسد: «در بین جواهر اسرار مخزونه و لثالی ثمینة مکنونه که از بحر زخار علم و حکمت حضرت بهاء‌اله ظاهر گردیده، اعظم و اقدم آن، کتاب مستطاب ایقان است» (شوقی افندی، ۲، ۱۴۷).

بیت العدل جهانی بهائی در مقدمه‌ای که بر این کتاب نگاشته، درباره اهمیت آن برای اعضای حزب بهائی می نویسد: «این کتاب شریف، در حد خود بهترین گواه دانش غیبی و مظهریت الهی جمال مبارک است (نوری، ایقان). به طور کلی می توان گفت که در بین کتب و اثار که از قلم ملهم شارع امر بهائی نازل گردیده، کتاب مستطاب ایقان بنفسه، نظر به حل مشاکل و غوامض آیات الهیه که لازال عدم فهم آن سبب تخالف و تنافر احزاب و امم عظیمه بوده، اساس متین و استواری جهت وحدت کل ملل و نحل و ائتلاف اقوام و مذاهب متنوعه برقرار نموده است» (شوقی افندی، ۱۹۹۲):

۱. از بیست و چهار ولی امر خیالی که عبدالبهاء نوید حکومت آنها را بر جامعه بهائی داده بود !!!

نقد اثر

۱) دروغ‌پردازی درباره تاریخ نگارش اثر

شوقی افندی، آخرین ولی امر بهائی، در این باره می‌نویسد: «... در سنین اخیره دوره اقامت بغداد* طی دو شبانه‌روز از قلم مبارک نازل گردیده» (شوقی افندی، قرن بدیع، ج ۲، ص ۱۴۷).

ادعای شوقی در این جملات، عاری از حقیقت است؛ زیرا وی زمان صرف‌شده برای نگارش ایقان را دو روز بیان می‌کند، اما بنابر اطلاعاتی که از مطالعه این اثر به دست می‌آید، میرزا حسینعلی نوری، ایقان را طی مدت دو سال نگاشته است.

حلبی می‌نویسد:

تاریخ نوشتن این کتاب، به موجب تصریح شوقی افندی، جانشین عبدالبهاء، در صفحه ۱۴۸ قسمت دوم قرن بدیع و تصریح در اسلمنت در صفحه ۴۹ کتاب بهاء الله و عصر جدید سال ۱۲۷۸ قمری هجری می‌باشد و خود بهاء‌الله در صفحه ۱۳۸ همین کتاب ایقان می‌گوید هجده سنه می‌گذرد که بلایا از جمیع جهات مثل باران بر آن‌ها (یعنی بابی‌ها) باریده آمد؛ و چون ۱۸ سال را بر ۱۲۶۰ که سنه اول ظهور سید باب است علاوه کنیم ۱۲۷۸ می‌شود؛ ولی از صفحه ۱۰۶ کتاب ایقان ۱۵۷ صفحه‌ای، از سطر اولش که می‌گوید: «باری هزار و دویست و هشتاد سنه از ظهور نقطه فرقان گذشت» معلوم می‌شود که در سال ۱۲۸۰ نوشته شده است و اگر بخواهیم جمع بین هر دو گفتار را

* ۱۲۷۸ هجری مطابق با ۱۸۶۲ میلادی

بنماییم، باید بگوییم که این کتاب را در ظرف دو سال نوشته‌اند که ابتدایش ۱۲۷۸ بوده و اختتامش ۱۲۸۰ (حلی، نقد ایقان، ص ۴).

۲) ایقان متمم بیان نیست

کتاب بیان اثر علی محمد شیرازی قرار بود در ۱۹ واحد و ۳۶۱ باب باشد، ولی ناتمام و ناقص باقی ماند؛ زیرا باب تنها «۱۶۲» باب از بیان فارسی (تا باب دهم از واحد نهم) و «۲۰۹» باب از بیان عربی (تا آخر واحد یازدهم) را موفق شد بنویسد. شوقی افندی کتاب ایقان را متمم بیان به‌شمار می‌آورد: «و با نوزل آن بشارت حضرت باب تحقق پذیرفت و وعده الهی که حضرت موعود، بیان فارسی را که ناتمام مانده تکمیل خواهد فرمود به انجام پیوست (شوقی افندی، قرن بدیع، ج ۲، ص ۱۴۷). مطالعه کتاب ایقان نشان می‌دهد این کتاب، حداکثر ۲ باب بیشتر نیست و تا ۳۶۱ باب بیان فارسی ۱۹۷ باب کم دارد، ضمن آنکه بیان عربی نیز ناقص است.

۳) ایقان و دعوت به ترک عقل

بهاء با تظاهر به روشن بینی، مریدان خویش را به تفکر در آثار مدعیان ادیان فرا می‌خواند: «باری، در کلمات شمس حقیقت باید تفکر نمود» (حسیسنعلی نوری، ایقان، ص ۱۲۰). او به آنان که توانایی تحلیل آثار مدعیان را ندارند توصیه می‌کند: «باید از واقفین مخازن علم سؤال شود تا بیان فرمایند و رفع اشکال نمایند، نه آنکه به عقل ناقص خود کلمات قدسیه را تفسیر نمایند و چون مطابق نفس و هوای خود نیابند، بنای رد و اعتراض گذارند» (همان). البته مقصود وی از «واقفین مخازن علم» دانشمندان نیستند؛ چرا که او علما را از جرگه واقفین مخازن علم جدا می‌کند و می‌نویسد: «نصیحت انبیاء این است که به گوش و چشم خود ببینند و

بشنوند، نه رجوع به علما» (همان).

نویسنده ایقان با درخواستی عجیب از مردم می‌خواهد تمام علوم عقلی و نقلی، کتباً و شفاهاً را به کنار نهند تا بتوانند به حقیقت ادعای باب پی ببرند. بر اساس خواهش میرزا، باید از تمسک به ظواهر آیات و روایات یا به کلام علما و دانایان دوری کرد، تا از درک حقیقت و وصول به سرچشمه حیات و معرفت محجوب و محروم نگردید. او علت مهجور ماندن امم قبل از وصول به مقام لقاء حقیقی انبیاء و مظاهر امر الله را تمسک به ظواهر منقولات و پیروی از علما و پیروی از ادله عقلیه می‌داند. پس امت اسلام هم اگر بخواهند به حقیقت و حقانیت ظهور باب نائل شوند، باید به ظواهر آیات و روایات متمسک نشوند و مخصوصاً توجهی به تمام آنچه علما می‌گویند نکنند و فقط تأویلات و توجیهاات و منقولات و مکتوبات باب و بهاء را بپذیرند، تا حق بر آنها ظاهر و هویدا شود.

میرزا واقعاً انتظار دارد مردم هر چه او می‌گوید، هر چند مخالف فهم و علم و علما و کتاب باشد، قبول کنند (همان، ص ۵۰). او تنها کسانی را عالم می‌شناسد که به او و باب ایمان آورده باشند، خواه بهره‌ور از گوهر علم باشند، خواه نباشند؛ و بالعکس هر که خرمی از دانش بوده، اما باب و بها را به پیشیزی نخریده، از گوهر علم و فضیلت تهی تهی است. میرزا نوشته است: «بر هر نفسی از علما، حکم ایمان از مبدأ عرفان در یوم تغابن و احسان جاری شد، حکم علم و رضا و نور و ایمان درباره او صادق است و الا حکم جهل و نفی و کفر و ظلم در حق او جریان یابد» (همان، ص ۲۴).

او از فقهاء و علمای بیان استدعا می‌نمایم که چنین مشی ننمایند و بر جوهر الهی و نور ربّانی و صرف ازلی و مبدأ و منتهای مظاهر غیبی در زمن مستغاث وارد نیاورند آنچه در این کور وارد شد و به عقول و ادراک و علم متمسکشوند و به آن مظهر علوم نامتناهی ربّانی مخاصمه نمایند. (حسینعلی نوری، ایقان، ص ۱۶۴) و نیز آورده است: «الیوم چه مقدار از علماء نظر به اعراض در اسفل اراضی

جهل ساکن شده‌اند و اسامیشان از دفتر عالین و علماء محو شده؛ و چه مقدار از جهال، نظر به اقبال، به اعلیٰ افق علم ارتفاع جستند و اسمشان در الواح علم و به قلم قدرت ثبت گشته» (همان، ص ۹۷). آشکار است که میرزا، تنها به پیشبرد اهداف فرقه مورد علاقه خویش می‌اندیشد و در این راه هیچ ابایی ندارد که ناجوانمردانه‌ترین اتهامات و زشت‌ترین دروغ‌ها را به زبان آورد. آنچه در عناوین زیر از نظر می‌گذرد، فهرستی از اتهامات میرزا بها به علمای ادیان و به‌ویژه عالمان شیعه است:

۱. از امتحانات الهیه سالم نماندند (همان، ص ۵۵)؛
۲. از مقصود قیامت واقف نشدند (همان، ص ۹۶-۵۱)؛
۳. اعراض از جمال حق نمودند (همان، ص ۱۴۲)؛
۴. انبیاء را به اجازه آن‌ها شهید کردند (همان، ص ۱۰)؛
۵. باب علم را مسدود دانسته‌اند (همان، ص ۲۰)؛
۶. به جواهر علم... جهل‌ها و عیوب نسبت می‌دهند (همان، ص ۲۹)؛
۷. به غیر ذنب مذهبی نیافته‌اند (همان، ص ۱۴۱)؛
۸. تاهت العقول فی افعالهم... (همان، ص ۱۴۵)؛
۹. جز هوی الهی نجویند (همان، صص ۲۰، ۱۴۱)؛
۱۰. جمیع به این حجبات محتجب مانده‌اند (همان؛ ص ۱۰۰)؛
۱۱. جهل را علم نام گذاشته‌اند (همان، ص ۱۲۰)؛
۱۲. دو نفس بر یک کلمه مشاهده نمی‌شوند (همان، ص ۲۰)؛
۱۳. رموز کتب الهی را درک نکردند (همان، صص ۳۰، ۲۷، ۱۸، ۵۳، ۵۵، ۸۲، ۸۳)؛
۱۴. صراحت کتب در عداوت آنان با مظهر ظهور (همان، ص ۱۶۰)؛

۱۵. ضلالت آنان (همان، صص ۲۸، ۱۷۱)؛

۱۶. ظلم را عدل نامیده‌اند (همان، ص ۱۲۰)؛

۱۷. علم را از منبع او اخذ نمودند (همان، ص ۲۷)؛

۱۸. علوم مردوده را شرط ادراک... شمرده‌اند (همان، ص ۱۲۳)؛

۱۹. عوامل احتجاب خلق‌اند (همان، صص ۱۱، ۹، ۲۱، ۲۰، ۵۵، ۱۱۵، ۱۱۲)؛

۲۰. مردم را از سبیل حق منع می‌نمودند (همان، صص ۱۰، ۱۱۰)؛

۲۱. معانی کلمات الهیه را ادراک نمودند (همان، ص ۱۲۱)؛

۲۲. معنی علم را ادراک نکردند (همان، ص ۱۲۱)؛

۲۳. قلت میزان ادراک آنان (همان، ص ۹۱)؛

۲۴. نظر به اعراض در اسفل اراضی جهل ساکن شده‌اند (همان، ص ۹۷)؛

۲۵. نفوس قدسیه را به نسبت ظلم کشتند (همان، ص ۱۵۶).

میرزا بر خلاف ادعای تحری حقیقت، تصدیق کورکورانه ادعای باب را غایت قصوای علم معرفی

می‌کند و می‌نویسد:

اگر کسی در یوم ظهور حق ادراک فیض لقاء و معرفت مظاهر حق را ننماید، آیا صدق

عالم بر او می‌شود اگرچه هزار سنه تحصیل کرده باشد و جمیع علوم محدوده ظاهریه را

اخذ نموده باشد؟ و این بالبدیهه معلوم است که تصدیق علم در حق او نمی‌شود

ولکن اگر نفسی حرفی از علم ندیده باشد و به این شرافت کبری فائز شود، البته او از

علمای ربانی محسوب است؛ زیرا به غایت قصوای علم و نهایت و منتهای آن فائز گشته

(؟؟؟،؟؟؟، ص ۹۶).

او می‌داند با ادله‌ای که برای اثبات حقانیت باب (بخوانید: برای آماده‌سازی بستر ادعای خویش) می‌آورد کسی قانع نمی‌شود؛ لذا با لحنی ملتمسانه، پذیرش ادعای بی‌دلیل باب را درخواست می‌کند و می‌نویسد: «ای رفیق باید از امر الهی نگذریم و به آنچه حجت خود قرار فرموده راضی شویم و سر بنهیم. خلاصه، حجت و برهان این آیه منزله اعظم از آن است که این علیل تواند اقامه دلیل نماید وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْجَمِيلُ» (همان، ص ۱۳۵).

بی‌اختیار به یاد شاعر پارسی، عرفی شیرازی افتادم که چه خوش سروده است:

در نگیرد صحبت عرفی و شیخ صومعه کو به زیرک دشمن و عرفی به کودن دشمن است

۵) تحریف آیات قرآن، روایات

آیات الهی و روایات معصومان به منزله اسناد اصلی و بیانیه‌های قطعی دین هستند؛ بنابراین به علت اهمیت و برای حفظ اصالت، باید بخش‌های استنادشده عیناً و بی‌هیچ تغییر و تبدیلی ذکر شوند. اما میرزا حسینعلی نوری، برای آنکه اثبات کند ادعای علی‌محمد باب مستند به مدارک و نصوص قطعی است، بی‌پروا از قضاوت آگاهان به قرآن و متون روایی، مرتکب تحریف و جعل در آیات قرآن مجید و روایات معصومان شده است. او سالها نه تنها اجازه انتشار ایقان بلکه بسیاری دیگر از آثارش را نمی‌داد، بهاءالله به مدت بیست سال انتشار کتاب ایقان را متوقف نموده بود ادیب طاهرزاده مبلغ بهائی در این باره مینویسد:

حضرت بهاءالله حکمت و احتیاط را توصیه فرموده اند. آن حضرت بیان نموده اند در آن ایام حکیمانه نبوده که کتب (امری) به چاپ برسد زیرا اگر تعداد زیادی از این کتب در دسترس قرار می‌گرفت دشمنان امرالله در آن ارض (که مترصد بهانه‌ای بودند)، تحریک میشدند و طغیان و بلوا

به وجود می آوردند. آن حضرت اشاره می فرمایند به همین دلیل بوده که انتشار کتاب ایقان را که حدود بیست سال قبل به طبع (اشتباه) رسیده بود، متوقف نموده اند.^(۱)

استاد محمدباقر نجفی در اثر ماندگار و پراجش به نام بهائیان، نمونه‌هایی از جعل و تحریف در کتاب ایقان را ذکر می‌کند:

در نسخ خطی و اولین چاپ سنگی کتاب ایقان در مقام بیان و ذکر اشارات و تلویحاتی که مبین ظهور الله است، به آیه ۲۱۰ سوره بقره استناد می‌کند که: چنانچه می‌فرماید: «یوم یأتی الله فی ضلّل من الغمّام» و علمای ظاهر بعضی این ایه را از علائم قیامت موهوم که خود تعقل نموده‌اند گرفته‌اند که مضمون آن این است که روزی که می‌آید خدای در سایه‌ای از ابر.* وقتی کتاب ایقان به دست مطلعان معارف اسلامی افتد، ملاحظه آیه مذکور در متن کتاب ایقان موجب تعجب اهل فن گردید؛ زیرا اساساً چنین آیه‌ای در متن کتاب خدا وجود ندارد و حسینعلی میرزا مرتکب جعل و تحریف می‌شود؛ تحریف از آن جهت که در آیه ۲۱۰ سوره بقره می‌فرماید: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ضَلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»

زعمای بهائیت، پس از توجه به چنین خطای نابخشودنی حسینعلی میرزا، چون در صد اولین چاپ سربی کتاب ایقان (ایقان، ۱۳۱۸:؟؟) برآمدند، آیه تحریف شده مذکور را برخلاف منظور استدلال و سیاق سخن حسینعلی میرزا حذف، و جای آن ایه صحیح را برخلاف جهت موضوع، منظور نمودند.*

۱. کریستوفر باک، راز و رمز کتاب ایقان ترجمه خسرو دهقانی، مجله مطالعاتی در ادیان بابی و بهائی، انتشارات کلمات، بیجا بیجا ص ۶۷

*همان، ص ۴۷، ۸۹ چاپ سنگی ۱۵۷، ص ۱۵ سطری که تاریخ و نشر آن مقارن حیات حسینعلی میرزا است.

* همان، ص ۶۳، چاپ ۱۳۱۸ هـ ق مطبعه موسوعات مصر، ۱۹۰۰ م

با توجه به گسترش عرصه‌های اطلاعاتی در زمانه فعلی و کمتر شدن امکان حک و اصلاح منشورات پر از غلط رهبران بهائی، سازمان رهبری بهائیت با قبول اختلافات ایقان با آیات و روایات اسلامی کوشش کرده است تا این تحریفات آشکار را تنها اختلاف لفظی معرفی نماید و در مقدمه همین کتاب نوشته‌اند: «لازم است گفته شود که جمال اقدس ابهی حضرت بهاءالله بعضی از آیات کتب مقدسه یا احادیث اسلامی را به مضمون در این سفر منیع نقل فرموده‌اند؛ لذا متن این قبیل منقولات ممکن است در موارد چند با اصل مندرج در کتب مقدسه و احادیث اسلامی تطابق کامل لفظی نداشته باشد».^(۱)

توضیح نویسندگان بیت العدل ممکن است برای پیروانش قانع‌کننده به نظر برسد و عدم انطباق لفظی نوشتجات میرزا با متن آیات و روایات را مهم تلقی نکنند؛ اما تحریفات میرزا حسینعلی در این کتاب تنها عدم تطابق کامل لفظی نیست و فقط به آیه «هل ينظرون...» منحصر نمی‌شود، وی آیات متعددی را برای نیل به مقصودش، لفظاً و معنأ تحریف کرده است، که همگی در نخستین چاپ سربی آن در سال ۱۳۱۸ (هـ.ق) بدون توجه به تعمد میرزا و برای اسکات مخالفان، مورد تصحیح جانشینان وی قرار گرفت، و البته بسیاری از موارد تصحیح‌شده، دیگر به کار استدلالات میرزا نمی‌آمدند. همین امر ثابت می‌کند که تنها چند اختلاف لفظی آیات و روایات نیست که موجب اعتراض دانشوران و اندیشمندان مسلمان به نویسنده ایقان شده است، بلکه تعمد او بر این تحریفات است که صداقت نداشتن این مدعی و حقانیت مخالفان او را نشان می‌دهد.

از جمله موارد اختلاف ایقان سنگی با ایقان چاپی تصحیح‌شده را مرحوم استاد نجفی چنین ذکر می‌کند:

۱ نوری حسینعلی کتاب ایقان، مؤسسه ملی مطبوعات بهائی آلمان، هوفمایم، آلمان چاپ اول (نشر جدید) ۱۵۵ بدیع، ۱۳۷۷ شمسی، ۱۹۹۸ میلادی ص «ح»

١. يوم يأتي الله في ظلل من الغمام (ص ٦٣)
- هل يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ضُلُوبِ مِنَ الْغَمَامِ (بقره(٢): ٢٠٦)
٢. ولكن البر انه تؤمنوا بالله واليوم الآخر (ص ٧٨)
- ولكنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ (بقره(٢): ١٧٢)
٣. و ان كبر عليك اعراضهم فان استطعت فابتغي في الأرض (ص ١٠٩)
- وَإِنْ كَانَ كِبَرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ (انعام(٦): ٣٥)
٤. كحمر مستفرة من القسورة (ص ٤٤)
- كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (مدثر(٧٤): ٥١)
٥. والأبرار يشربون عن كأس (ص ٣٥)
- إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ (دهر(٥): ٥)
٦. اولئك يئسوا من رحمة الله (ص ١١٦)
- اولئك يئسوا من رحمتي (عنكبوت(٢٩): ٢٢)
٧. ليتنى مت قبل موقفي هذا ام كنت (ص ٤٧)
- ليتنى مت قبل هذا وكنت (مريم(١٩): ٢٣)
٨. واذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا... عليهم بما فى الصدور (ص ٦٥)
- اذا لقوكم قالوا آمنا... عليهم بذات الصدور (آل عمران(٣): ١١٥)
٩. و نفخ فى الصور ذلك رجع بعيد (ص ٩٥)
- و نفخ فى الصور ذلك يوم الوعيد (ق(١): ١٩)
١٠. ولكنه رسول الله (ص ١٥٠)

ولکن رسول الله (احزاب(۳۳): ۴۰)

استاد در ادامه توضیح می‌دهد:

... اولین چاپ کتاب ایقان در سال ۱۳۰۸ (هـ.ق) به اهتمام غصن اکبر و... در بمبئی چاپ و انتشار یافت. انتشار نسخه مذکور، با توجه به اینکه میرزا حسینعلی خود را در برابر صبح ازل عبد خوانده، و او را به عنوان مصدر امر در نظر آورده است، موجب استناد ازلیان در محکومیت دعاوی میرزا حسینعلی بهاء گردید... لذا بهائیان تصمیم گرفتند، کتاب ایقان را مطابق مصالح خود تصحیح، و چاپ دیگری را از آن ارائه دهند! تا نسخه چاپی ۱۳۰۸ هجری قمری، غصن اکبر که مورد استناد ادوار بروان از مقدمه خود بر کتاب نقطه الکاف شده بود، از اذهان بهائیان دور سازند؛ و به همین خاطر است که فاضل مازندرانی در صفحه ۲۶۸ کتاب اسرار الآثار، ذیل کلمه «ایقان» اولین چاپ سنگی ایقان را نسخه‌ای تلقی کند که در سال ۱۳۱۰ (هـ.ق) به خط مشکین قلم در بمبئی چاپ شده است* در این چاپ اگر چه کلمات و جملاتی که مبین اظهار بندگی حسینعلی میرزا نسبت به صبح ازل تصحیح گردید؛ ولی اشتباه‌های حسینعلی میرزا در ذکر آیات و احادیث و اغلاط فراوان ادبی** کتاب ایقان همچنان بر جای ماند... بعدها بهائیان، چون دیدند و یافتند که تصحیح‌های صورت پذیرفته در متن ایقان چاپ ۱۳۱۰ (هـ.ق) باب انتقاد و اعتراض محققان را در ذکر اغلاط ادبی و آیات و احادیث، مسدود نمی‌کند، تصمیم گرفتند تصحیح دیگری از متن مذکور به عمل آورند و آن را با حروف

*البته با توجه به تطبیق خط نسخه مذکور با دیگر آثار خطی مشکین قلم، نسبت به نسخه ۱۳۱۰ به مشکین قلم جای تأمل و تردید است.

**چنان‌که آقای حلبی به تفصیل در ساله پژوهش جامع درباره ایقان، چاپ تهران، پ ۳۴۵ هـ.ق سنگی صفحه ۲۲۲ به آن اشاره کرده‌اند. همچنین شیخ محمدرضا افضل در کتاب:

فلتات اهل ایمان ۸۴ خطای ادبی کتاب مذکور را برملا ساخته‌اند.

سربی به چاپ رسانند. ایقان مذکور مطابق مصالح بهائیان شد.*** و در سال ۱۳۱۸

(هـق) به بعد، از طرف بهائیان تهران و قاهره و دهلی چاپ و منتشر گردید... در این

چاپ‌هاست که می‌بینیم آیه « یوم یأتی الله فی ظلل من الغمام» ... که در چاپ ۱۳۰۸ و...

دقیقاً به جای آیه به غلط نوشته شده بود، حذف و صحیح آیات و احادیث، با تصحیحی

از دیگر اغلاط فاحش ادبی، حروفچینی گردید. (نجفی، بهائیان، ۴۴۲-۴۴۹).

مرحوم نجفی در پاورقی همین صفحه از کتاب بهائیان می‌نویسد: «در مقابله‌ای که مؤلف کتاب از

نسخه خطی زین المقریین و چاپ اول ایقان با دیگر چاپ‌های بعدی به عمل آورد، حدود ۴۹۱ مورد

اختلاف پیدا شد! که خود رساله مستقلی است.»

ج) کتاب اقدس

کتاب اقدس، کتاب احکام و قوانین دینی بهائیان است و بهائیان معتقدند که کتاب اقدس، وحی منزل

بر بهاء‌الله بوده است. کتاب‌های طرازات، تجلیات، بشارات، اشراقات، کلمات مبارکه مکنونه و کلمات

*** استاد نجفی در کتاب بهائیان می‌نویسد:

متأسفانه تا این اواخر نسخه موثق از نسخه‌های خطی قدیمی کتاب ایقان در دسترس محققان وجود نداشت و اصولاً بهائیان جهت پنهان کردن حقایق اصلی کتاب ایقان، نسخه‌های خطی آن را جمع‌آوری و از دسترس خواص و عوام بهائی دور نگاه داشته‌اند. از این رو مدرکی که سندیت کتاب ایقان سنگی را روشن کند به دست اهل تطبیق و نسخه‌شناس نیفتاد. و بهائیان چون از این مجرا اطمینان حاصل کردند، در برابر اعتراضات بعضی از محققان، صریحاً گفتند که در نسخه‌های خطی آیات و احادیث توسط میرزا حسینعلی بهاء غلط نگاشته نشده است و اشتباه اساساً از کاتب چاپ سنگی آن بوده است. و به همین جا پرونده جعل و تصحیح مجدد ایقان به زعمشان بسته شده تلقی گردید. قضا و روزگار، گذر مؤلف این کتاب به مصر افتاد. چند ماهی از سال ۱۳۵۶ هـ ق = ۱۹۷۷. را مؤلف به طور تمام وقت، به بررسی نسخه‌های خطی، در کتابخانه بزرگ مصر مشغول بود. در دارالکتب قاهره، ضمن بررسی بیش از ۱۵۰۰ نسخه خطی فارسی، به کتاب کوچکی به قطع ۵/۸ × ۱۳ سانتیمتر ۹ سطری در ۹۲ ورق دستیابی پیدا کردم. که در ابتدای امر جلب نظر را نمود. و آن را به خاطر خستگی زیاد نخوانده رها کردم. چند روزی از این واقعه گذشت و شبی تصمیمی یک‌چارچه وجودم را فراگرفت که کتاب مذکور را مجدداً ببینم. کتاب پس از مطالعه معلوم شد. ایقان میرزا حسینعلی بهاء است. که به شماره (۵۰۶۱ س) در دارالکتب و الوثائق القومیه مصر ثبت و ضبط است. نام کاتب کتاب کتابت نشده است، همین قدر پیدا است که به خط زین المقریین کاتب وحی! میرزا حسینعلی بهاء است. خوشبختانه تاریخ کتاب نسخه خطی مذکور، به سال ۱۲۹۵ هـ ق در ذیل آخرین سطور کتاب نگاشته شده است با توجه به اینکه میرزا حسینعلی در سال ۱۳۰۹ هـ ق مرد، معلوم می‌شود که نسخه مذکور ۴ سال قبل از مرگ مؤلف ایقان نوشته شده است. و از سرزمین فلسطین، مستقیماً به دست یکی از شخصیت‌های سیاسی فرهنگی مصر افتاده است و بعدها ضمن کتب دیگری به دارالکتب مصر تویل داده شده است. حقیر از صفحات کتاب عکس برداری نمود. و پس از مراجعت به وطن عزیز، آن را با ایقان چاپ سنگی مطابقت کرد دقیقاً مطابق هم بودند و با چاپ حروفی ایقان اختلافات فاحش انشایی و... داشت. با توجه به قدمت نسخه خطی مذکور، آنهم موجود در یکی از معتبرترین کتابخانه‌های جهان و غیرشیعی! مصر می‌تواند نشانگر گوشه‌ای از جعف و تزویرهای بهائیان باشد. از سوی دیگر مؤلف پس از بازگشت به ایران، متوجه شد که در کتابخانه مجلس شورای ملی، نسخه دیگر از ایقان خطی به خط زین المقریین وجود دارد. این نسخه، دقیقاً به نسخه خطی موجود در دارالکتب مصر و نسخه چاپ ۱۳۰۸ هـ ق منطبق است و این امر نشان می‌دهد که نسخه ۱۳۰۸ هـ ق بر اساس ایقانی به چاپ رسیده است که زین المقریین از آن نسخ متعددی را استنساخ کرده است! (نجفی، بهائیان ص ۴۴۷)

فردوسیة نیز از متعلقات کتاب اقدس محسوب می‌شوند.

تاریخ و مکان نگارش

بهاءالله در حدود سنه ۱۸۷۳ میلادی در شهر عکا، در منزل مسکونی وی که به «بیت عودی خمّار،

شهرت داشته، کتاب اقدس را نگاشته است (شوقی افندی، ۱۹۹۲: ۴۲۶).

اهمیت این اثر

شوقی افندی درباره اهمیت این اثر می‌نویسد:

این سفر بدیع مخزن احکام و شریعت ربانیه است که اشعیای نبی بدان بشارت داده و حضرت یوحنا در مکاشفات خویش به «سماجددیده» و «ارض جدیده» و «هیکل رب» و «مدینه مقدسه» و «عروس» و «اورشلیم جدید النازل من السماء» تشبیه نموده است. این کتاب مقدس که حدود و احکامش مدت یکهزار سال ثابت و لن یتغیر مانده و نفوذ و سطوتش اهل ارض را احاطه خواهد نمود، اعلی و اجلی ثمره اسم اعظم و ام الکتاب دور اعز اقدس ابهی و منشور نظم بدیع اسنی در این قرن امنع افخم محسوب است (همان، ۴۲۶).

بیت العدل اعظم بهائی هم به تاسی از شوقی، درباره این کتاب می‌نویسد: «ام الکتاب آئین بهائی، کتاب مقدس اقدس، محتوی حدود و احکام الهی برای دور بهائی است و به اراده الهی، لااقل هزار سال امتداد خواهد یافت» (شوقی قرن بدیع، ص ۷).

۱) سبب نگارش کتاب اقدس، اتمام دوره بیان یا...؟

میرزا حسینعلی نوری در ابتدای ادعای خود، با قوت مدعی بود که قرار است کاملاً در جهت استقرار و اثبات بیان حرکت کند و هر گونه ادعا درباره نسخ بیان را توطئه‌ای از سوی مخالفانش می‌داند: بدانید ای قوم، که این غلام رحمن در جمیع احوال اراده‌اش آنب وده آنچه از ظهور قبلش نقطه بیان روح من فی الاکوان فداه نازل شده ثابت نماید، حرکت نموده‌ام مگر به رضای او... ولکن مشکرین بیان گمان نموده‌اند و در بادیه‌های مهلکه ظن مشی کرده‌اند چنان‌که نسبت داده‌اند که این غلام گفته نقطه بیان از یک حرف من خلق شده، لا والله آنچه نازل شده منزل حق تعالی... بوده و خواهد بود. بگویند ای بی‌شرم‌های ارض (خطاب به پیروان باب است که مخالف با بهاء هستند) آنچه در این ظهور نازل بعینه همان کلمات «نقطه اولی» بوده و خواهد بود (نوری، ۳۹۴).

با عنایت به عبارت «... و خواهد بود»، پس از استقرار بر کرسی من یظهره اللهی، کتاب اقدس را به عنوان کتاب احکام بهائیان نگاشت. او این کتاب را ناسخ بیان معرفی کرد و پیروانش را به پیروی از آن امر کرد. اما اقدس با بیان اختلافات اساسی بسیاری دارد. رهبران و مبلغان سرشناس بهائیت هم بر این مطلب تصریح کرده‌اند. عباس افندی درباره این اختلاف می‌نویسد: «در یوم ظهور حضرت اعلی منطوق بیان، ضرب اعناق و حرق کتب و اوراق و هدم بقاع و قتل عام الا من آمن و صدق بود، اما در این دور بدیع و قرن جلیل، اساس دین الله و موضوع شریعت الله، رأفت کبری و رحمت عظمی و الفت جمیع ملل و صداقت و امانت و مهربانی صمیمی قلبی با جمیع طوائف و نحل و اعلان وحدت عالم انسانی است (افندی، ۲، ۲۶۶). گلپایگانی، مبلغ مشهور بهائی می‌نویسد: «[کتاب

بیان و اقدس] در اصول و فروع، با یکدیگر چنان مختلف و متفاوت اند که انجیل با تورات، و کعبه با سومنات» (گلیپایگانی، ۱۶۶). فاضل مازندرانی نیز بر این مطلب تصریح می‌کند و می‌نویسد: «کتاب اقدس شریعت بهائیه و ام‌الکتاب... و شریعت بیان را نسخ و تغییر داد و مرجع تمام احکام و اوامر و نواهی گشت» (مازندرانی، ۱۶۱).

۱. چگونه می‌توان پذیرفت که خدای حکیم، آئینی را نازل کند که برای استقرارش جامعه‌ای به اغتشاش کشیده شود و جان‌ها و مال‌ها و اعراضی بر باد رود. از آغاز ادعای باب که زمان چندانی نگذشته بود! از خیل آن همه احکام و دستورهای باب می‌توان با جرئت مدعی شد که یک دهم آن حتی برای یک بار نیز اجرا نشده بود.

۲. خود میرزا حسینعلی که قبلاً مدعی بود او اقدام به نسخ بیان نخواهد کرد و ادعای نسخ بیان توسط خود را دروغی دانست که پیروان برادرش، ازل، برای بدنام کردن او ساخته و پرداخته‌اند.

عزیه خانم نوری، خواهر میرزا حسینعلی، که از مخالفان سرسخت او و مدافع جدی باب و میرزا یحیی صبح ازل است، درین باره چنین می‌نویسد:

و اما مطلب اول که مدعی می‌گوید «من ناسخ بیان و احکام و شرایع بیانم و صاحب کتاب و شریعتم» حالا از شما سؤال می‌نمایم: اگر شخص فلاح بصیر با دانش، بذری صحیح بدون نقص در مزرعه‌ای بیفشانند که از محصول آن بهره ببرد و از ثمره آن فایده‌ای بردارد و آن بذر هنوز ریشه‌ای به زمین ندوانیده و سر از خاک برنیاورده، شاخ و برگ نکرده و ازهار و اثمارش را کسی ندیده و نچیده، بلکه درست نشنیده و نفهمیده آن زمین را برگرداند و آن بذر را بکلی ضایع و باطل کند، به حکم عقل سلیم و

دانش مستقیم، یا باید آن فلاح بی بصیرت باشد و یا آن بذر ناقص و بی مغز.

اگر در شمسیت، «نقطه اولی» او را حرفی و اشکالی باشد که آن حضرت کامل و بینه‌اش کافی و مکفی نبوده است، به حکم عقل صریح، چنین کلامی قابل استماع نیست. سهل است به حکم صاحب بیان گوینده او را کافر می‌دانیم و یا می‌گوییم که شریعت آن حضرت ناتمام و احکامش ناقص بوده است. شخص مدعی برای تکمیل آن شریعت مبعوث شده این دعوی نیز باطل و محل اعتنا نیست... خداوند متعال می‌فرماید: «مانسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها». اگر آیات و احکام کتاب بیان بر حسب استعداد زمان بر فرقان سمت رجحان نداشته نسخ آن لزومی نداشته است که پس از نسخ آن نزول بیان به جهت نقصان آن مکمل و مصححی دیگر آید و بیان را تکمیل نماید (عزیه خانم نوری، ۹۸).

۲) چرا زبان این کتاب عربی است؟

قرآن، وحدت لسان پیامبران و کتب آسمانی آن‌ها را با زبان نخستین قومی که در میان آن‌ها مبعوث شده‌اند، سنتی الهی می‌داند و می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ» ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر به زبان قوم خودش

زیرا پیامبران در درجه اول با قوم خود، همان ملتی که از میان آن‌ها برخاسته‌اند، تماس داشتند و نخستین شعاع وحی به وسیله پیامبران بر آن‌ها می‌تابید، و نخستین یاران و یاوران آن‌ها از میان آنان برگزیده می‌شدند، بنابراین پیامبر باید به زبان آن‌ها و لغت آن‌ها سخن بگوید «تا حقایق را به روشنی برای آنان آشکار سازد» (مکارم شیرازی، ۱۰، ۲۶۹).

هر رسولی که به مأموریت تعلیم و تربیت و دعوت هر قومی را به عهده دارد، باید هم‌زبان آن‌ها باشد

و به لغت آن‌ها سخن بگویند و بر اساس اعجاز نباشد و از لغت و زبان آن‌ها که سخن می‌گویند اجنبی نباشد و چنانچه نسبت به اقوام و اجتماعات دیگری نیز مأموریت داشته، وسیله لغت قوم خود دعوت او انتشار یابد و به منزله ترجمه دعوت رسول باشد، همچنان که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر قبایلی که هم‌زبان و لغت آنان عربی بوده، در آغاز مأموریت یافت و سپس از طریق لغت عربی، دعوت رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اقطار جهان را فراگرفت و خصوصیات که دین اسلام دارد، از جمله نظر به اینکه دعوت آن جهانی و به همه اقوام و قبایل و اجتماعات بشری متوجه و به طور دائم و همیشگی است، و از طرفی لغات عربی از نظر اشتقاق و ریشه و انشعاب از یک اصل بی‌نظیر است و قرآن کریم نیز که بر اساس اعجاز دائم و باقی است، به این لغات شیوا نازل شده، بر این اساس زبان رسمی و عمومی و لغت دائر و رایج در اجتماعات اسلامی در اقطار جهان از نظر دین، همانا لغت عربی است، از جمله نمازهای پنج‌گانه باید به زبان عربی خوانده شود و نیز ادعیه و احکام و معارف اسلامی که از اهف بیت رسیده، همه و همه به زبان و لغت عربی است. (همدانی نجفی، ۹، ۲۵۵).

اما کتاب اقدس که به عنوان کتاب آسمانی به پیروان میرزا حسینعلی نوری عرضه شده است علی‌رغم آنکه میرزا حسینعلی آئین خویش را اگرچه در عراق عرب اما برای بابیان ایرانی بنیاد نهاد و حیطة تبلیغ آئین خود را نیز در ایران قرار داده بود و این بر خلاف سنت الهی در نظام ارسال رسل است، واقعاً دلیل قابل اعتنائی برای عربی بودن این آثار به دست نمی‌آید زیرا باید این آثار یا

۱. به زبان اولین گروه یا لاقل برای اکثریت پیروان نازل میشد که بنا بر مشاهدات و تحقیقات

میدانی نگارنده پیروان عرب‌زبان بهائیت از نظر تعداد اقلیت بسیار محدودی هستند

۲. یا آنکه از نظر ادبی چنان ارزش فوق‌العاده‌ای داشت که می‌توانست توجیه‌کننده

نزول به زبان عربی باشد اما به طرز فاحشی اقدس و سایر آثار عربی میرزا حسینعلی ارزش

ادبی نیز ندارند و این در حالی است که میرزا حسینعلی بهاءالله بواسطه تحصیلات بیشتر و زندگی در ممالک عرب، عربی را خیلی بهتر از باب میدانست، اما مانند علی محمد شیرازی اغلاط بسیاری در آثارش دیده می شود که به گوشه هائی از آن ذیلاً اشاره میشود:

۱. اَنَا امرناکم بکسر حدودات النَّفس و الهوی لِّلا ما رقم من القلم الاعلی اَنَّهُ لزوح

الحيوان لمن فی الامکان» (نوری اقدس ۳)

«حدود» جمع «حد» است و «حدودات» در واقع جمع بستن مجدد کلمه جمع به نحو نامتعارف است که از منظر علم صرف غلط شمرده می شود.

۲. یا قلم الاعلی قل یا ملاً الانشاء... (نوری اقدس بند ۱۶)

عبارت صحیح این است که بگوید: یا ایها القلم الاعلی قل یا ملا الانشاء

۳. لتعاشروا مع الادیان و تبأغوا امر ربکم الرّحمن... (نوری اقدس بند ۷۵)

اینجا باید میگفت لتعاشروا الادیان

۴. تفکروا فی هذه الایة ثم انصفوا باللّه لعلّ تجدون لئالی الاسرار..... (نوری اقدس بند

۱۳۷)

و دراین جمله باید به جای لعلّ تجدون مینوشت لعلکم تجدون....

۵. لیس لاحد ان یتمسک الیوم الا بما ظهر فی هذا الظهور هذا حکم اللّه من قبل و من

بعد و به زین صحف الاولین... (نوری اقدس بند ۱۳۸)

در این عبارت هم باید عبارت «به زین صحف الاولین...» را به زینت صحف الاولین

۶. انظروا ما نزل فی مقام اخر لعلّ تدعون ما عندکم... (نوری اقدس بند ۱۴۰)

جالب است با این حجم از اغلاط لفظی و معنایی بی پروا آثار خویش را میزان اعظم برای سنجش

معرفی میکند :

قل يامعشر العلماء لا تنزوا كتاب اللّٰهـما عندكم من القواعد و العلومأنه لقسطاس الحق بين الخلق
قد يوزن ما عند الامم بهذا القسطاسالا عظم و انه بنفسه لو انتم تعلمون (اقدس بند ۹۹)

اندکی پیش تو گفتم غم دل ترسیدم که دل آزرده شوی ورنه سخن بسیار است

کتابنامه:

۱. قرآن کریم
۲. فاضل مازندرانی اسدالله، اسرار الاثار، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ بدیع
۳. دهخدا علی اکبر لغتنامه
۴. محمد حسینی نصرت الله، حضرت باب، ناشر: مؤسسه معارف بهائی
۵. شیرازی علی محمد بیان عربی نسخه اختصاصی بیتا بیجا
۶. شیرازی علی محمد بیان فارسی نسخه اختصاصی بیتا بیجا
۷. شیرازی علی محمد رساله پنج شأن باز تکثیر مرکز اسناد جنبش بایه
۸. یزدانی احمد، جواب پاره شبهات، آذرماه ۱۳۴۰ ه ش تهران
۹. اصفهانی حیدر علی، دلائل العرفان، ۱۳۱۲، بمبئی
۱۰. باک کریستوفر، راز و رمز کتاب ایقان، ترجمه خسرو دهقانی، انتشارات کلمات،
بیجا بیتا
۱۱. محمد باقر نجفی بهائیان نشر مشعر- ۱۳۸۰

۱۲. نوری حسینعلی، اقدس نرم افزار جامع آثار بهائی، منتشره از سوی بیت العدل اعظم

بهائی حیفا اسرائیل

۱۳. ربانی شوقی افندی، قرن بدیع ترجمه نصرالله مودت، مؤسسه معارف بهائی بلسان

فارسی، انتاریو کانادا، چاپ دوم، ۱۴۹۰ بدیع - ۱۹۹۲ میلادی

۱۴. نوری حسینعلی، ایقان، ص ۴۷، ۸۹ چاپ سنگی ۱۵۷ صفحه ۱۵ سطر یک، تاریخ

ونشرآن مقارن حیات میرزا حسینعلی است.

۱۵. نوری حسینعلی، ایقان، چاپ اول، سربلی، ۱۳۱۸ هـ. ق. مطبعه موسوعات مصر، ۱۹۰۰

م

۱۶. نوری حسینعلی، ایقان چاپ فرج الله زکی الکردی، مصر، ۱۳۵۲ هـ. ق = ۱۹۳۳ م.

۱۷. براون ادوارد، یکسال در میان ایرانیان، مانی صالحی علامه ناشر: اختران - تهران چاپ

اول، ۱۳۸۴ شمسی

۱۸. نوری میرزا عباس عبدالبهاء، مکاتیب مؤسسه مطبوعات امری، ۱۳۴ بدیع؛ ج ۲،

۱۹. نوری عزیزه خانم تنبیه النائمین برگرفته از سبای

<http://www.tabarestan.info/book/Tanbiholnaemin1.pdf>

۲۰. نامه دارالتحقیق مرکز جهانی مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۰

۲۱. مکارم شیرازی آیت الله تفسیر نمونه، ج ۱۰

۲۲. حسینی همدانی نجفی ایت الله سید محمدانوار درخشان، ج ۹

۲۳. نوایی عبدالحسین، فننه باب، انتشارات بابک، چاپ سوم، بهار ۱۳۶۲،

۲۴. حلبی شیخ محمود، نقدایقان، نسخه اختصاصی بیتا بیجا

۲۵. مصطفوی حسن محاکمه و بررسی باب و بها، انتشارات برهان تهران ۱۳۴۴ هـ ش

26.Revelation, vol.3, p,275.

27.The Covenant of Bahauallah, Oxford 1992. p.357

28.Writings of Bahauallah, A Compilation, New Delhi 1986

29. سلطانرسل حضرترباعلی قدیمی . ریاض. KING OF THE MESSENGERS THE BAB THE

LORD ,THE MOST EXALTED Dr . Riyaz K. Ghadimi Printed By
UNIVERSITY OF TORONTO PRESS Second Printing 1993

30.www.Baharoom.ir